

جمهوری اسلامی و جنایتی دیگر!



روز چهارشنبه ۱۱ خرداد، در جریان حمله مزدوران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به مراسم تشییع جنازه مهندس عزت الله سحابی از فعالین ملی - مذهبی، دختر او، هاله سحابی نیز مورد تعرض اراذل حکومت قرار گرفت و جان خود را از دست داد. هاله سحابی در شرایطی به قتل رسید که مدت کوتاهی پیش از این تاریخ برای مدتی از زندان مرخص شده بود.

خبر این جنایت بیشرمانه، خشم افکار عمومی را برانگیخت و رسانه های دولتی را بشدت به تکاپو انداخت تا مرگ او را در اثر "ایست قلبی" به دلیل "شوک حاصل از مرگ پدر و گریه بی امان" و یا "فوت پدر و گرمای هوا" جلوه دهند و نقش تبهکارانه خود در این جنایت را کتمان کنند. این تلاش ها در حالی ست که بنا به تمامی شواهد موجود و از جمله اظهارات صریح شاهدانی که در مراسم تشییع جنازه مهندس سحابی حضور داشته اند، وی بدنبال کشمکش و برخورد با مامورین رژیم و وارد شدن "ضربه به شکم و ریه" اش بر زمین افتاد و دیگر بر پا نخاست. شواهد دیگر از جمله خاکسپاری فوری و شبانه هاله سحابی و خبری که رژیم بعد از مرگ وی اعلام کرد که گویا "دو نفر با سه بمب دستی و کلت کمری" در جریان این تشییع جنازه دستگیر شده اند! همگی بیانگر حمله سازمانیافته نیروهای سرکوبگر رژیم به آن مراسم خاکسپاری می باشد که باعث قتل هاله سحابی شد.

علاوه بر این، ماموران حاضر در مراسم تشییع جنازه، جهت جلوگیری از تجمع عزاداران، در یک اقدام بیشرمانه جنازه مهندس سحابی را دزدیدند تا به عزاداران اجازه شرکت در مراسم خاکسپاری را ندهند. به این ترتیب، حضور وسیع ماموران رژیم در مراسم تشییع جنازه سحابی و برخوردهای وحشیانه آنها نسبت به شرکت کنندگان در این مراسم و بطور مشخص قتل هاله سحابی و بالاخره دزدیدن جنازه مهندس سحابی، همه و همه حاکی از این واقعیت است که سرمداران جمهوری اسلامی خود را در شرایطی می بینند که از هر تجمعی وحشت دارند. چرا که می دانند این روزها هر تجمع توده ای با هر بهانه ای ممکن است به حرکت اعتراضی گسترده و غیر قابل کنترل تبدیل شود. در واقع، رژیم برای لاپوشانی شدت ترس و وحشت خود از توده هاست که دیوانه وار به هر تجمعی یورش می برد، ولی همین یورش های وحشیانه و از روی استیصال، بر ضد اهداف رژیم عمل کرده و توده های هر چه وسیعتری را بر علیه جمهوری اسلامی بسیج می کند.

تحت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی، امروز اوضاع جامعه بسیار بحرانی است. با شدت گیری تضادهای طبقاتی و رشد شدید تضاد های درونی رژیم، چنان شرایط بحرانی در جامعه بوجود آمده است که خطر فوران سیل جدیدی از مبارزات توده ای و ضربات ناشی از آن به نظام حاکم، خواب خوش را از سران حکومت ربوده است، و به همین دلیل جمهوری اسلامی حتی از برگزاری تشییع جنازه و خاکسپاری مردگان توسط مردم به وحشت افتاده و به ضرب و شتم و حتی کشتن عزاداران متوسل می شود. اما تجارب تاریخی به مردم مبارز ما نشان داده است که ارتکاب به سرکوب، قتل و شکنجه و ترور توسط رژیم دیکتاتور و ضد خلقی جمهوری اسلامی قادر نخواهند بود تا مرتجعین حاکم را در مقابل سیل بنیان برافکن و محتوم مبارزات توده ای تا ابد محافظت نموده و از زوال و نابودی شان توسط توده ها جلوگیری کند. توده های تحت ستم و مبارزی که با مشاهده جنایات سبوعاته جمهوری اسلامی هر روز بیش از گذشته با مبارزات خویش خنجرهای انتقام را صیقل می دهند.

نابود باد رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و تمامی دار و دسته های ضد خلقی اش!

مرگ بر امپریالیسم! زنده باد انقلاب!

باایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۲ خرداد ۱۳۹۰